

گذشته نقلی در گویش سلامی

محمد مهدی ابراهیم بای سلامی. زهرا اختیاری. سید جواد مرتضایی

1- سمت نویسنده اول: دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

2- سمت نویسنده دوم: استاد راهنما، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

3- سمت نویسنده سوم: استاد مشاور، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: 1. Salamii1400@gmail.com

2. ekhtiari@ferdowsi.um.ac.ir

3. gmortezaie@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

سلامی شهری از توابع شهرستان خواف واقع در خراسان رضوی است که پیشینه آن به ایران باستان باز می‌گردد و چرخ روزگار نام‌های گوناگونی بر تارک آن نهاده است. گویش این شهر به دلیل قدمت باستانی‌اش، ظرافت‌های زبانی و دستوری بسیار و کم‌نظیری داراست. از جمله ظرافت‌های زبانی و دستوری این گویش، وجود گونه‌های متفاوت از گذشته نقلی می‌باشد که در فارسی معیار نمونه‌های آن وجود ندارد. پژوهش حاضر ضمن بررسی گذشته نقلی در فارسی معیار و گویش سلامی، با نگاهی ریزبین و دقیق به توصیف انواع گذشته نقلی و مقایسه آن با زمان‌های مشابه در این گویش پرداخته است. داده‌های مقاله به روش سنتی و بر اساس گفت‌وگو با گویشوران کهن سال سلامی گردآوری و سپس تحلیل شده است. در این پژوهش مشخص شد که در گویش سلامی هشت نوع گذشته نقلی وجود دارد که بر حسب نزدیک یا دور بودن زمان رخداد فعل، ایجاد می‌شوند و شناسه‌های متفاوت می‌گیرند. در ضمن نمایان گشت که در گویش سلامی تفاوت شخص‌های جمع گذشته نقلی با شخص‌های جمع برخی زمان‌های گذشته دیگر، فقط در جایگاه تکیه می‌باشد و این می‌تواند دریچه‌ای نو پیش چشمان ژرفاندیش دستورنویسان باز کند تا فعل‌ها را از زاویه‌های متعددتری مورد بررسی قرار دهند.

کلیدواژه

گویش سلامی، گذشته نقلی، فاصله زمانی رخداد فعل، شناسه، تکیه

1. مقدمه

گویش‌ها و لهجه‌های ایرانی، میراث ارزشمندی هستند که در گذر زمان در مسیر وزش بادهای دگرگون‌ساز روزگار بوده‌اند و اکنون به دست ما رسیده‌اند و به قول سامارین «گنجینه‌هایی هستند که همچون بستر رودخانه‌ها رسوبات فرهنگی قرن‌های تاریخ را در خود دارند» (سامارین، 1967: 7). «تحقیق در زبان‌های ایرانی یک سنت قدیمی دانش ملی و جهانی است. تالیف نخستین آثار مربوط به فرهنگ زبان فارسی به آغاز قرون وسطی بر می‌گردد» (ارانسکی، 1387: 19).

سلامی (سلامه، سلومه، سلومک، سلومد) بخش شمالی شهرستان خواف است که «در 90 کیلومتری جنوب شرقی شهرستان تربت حیدریه و 25 کیلومتری شمال شهرستان خواف واقع شده (پاپلی یزدی، 1367: 315) است.¹ در کتاب *حدود العالم من المشرق الی المغرب* نام آن به صورت «سلومد» آمده است (1362: 91).² در کتاب‌های *صورة الارض* (ابن حوقل، 1345: 168 و 169)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم* (مقدسی، 1361: 467)، *مسالك الممالک* (اصطخری، 1927: 256) و *سرزمین‌های خلافت شرقی* (لسترنج، 1377: 383) از این شهر با نام

1. «موقعیت جغرافیایی سلامی عبارت است از 34 درجه و 45 دقیقه عرض جغرافیایی و 59 درجه و 58 دقیقه طول جغرافیایی و ارتفاع آن از سطح دریا 1060 متر می‌باشد» (پاپلی یزدی، 1367: 315).

2. «پورژگان، خایمند، سنگان، سلومد و زوزن شهرک‌هایی‌اند از حدود نشابور و جای‌های بسیار و با کشت و برزند و از این شهرکها کرباس خیزد» (1362: 91).

«سلومک» یاد کرده‌اند.^۲ حمدالله مستوفی نام آن را «سلامه» نوشته است. (مستوفی، 1378: 219).^۴ از روایات ذکر شده مشخص می‌شود که شهر سلامی و گویش از پیشینه بسیار کهنی برخوردار است و این بر اهمیت آن از جنبه‌های تاریخی، زبانشناسی و ادبی بس می‌افزاید.

1-1. بیان مساله

گویش سلامی جزء گویش‌های زبان فارسی است و در آن ظرافت‌های زیادی نهفته است. از جمله این ظرافت‌ها، زمان «گذشته نقلی» فعل می‌باشد. گذشته نقلی، زمانی بحث‌برانگیز است که تعداد آن در کتاب‌های دستوری زبان فارسی معیار متفاوت است. برای مثال خانلری از یک نوع گذشته (ماضی) نقلی نام برده است (خانلری، 1352: 34)؛ خیامپور از یک نوع گذشته نقلی با دو ساختمان متفاوت قدیمی و کنونی یاد کرده است (خیامپور، 1344: 77)؛ قریب و همکاران از یک نوع گذشته نقلی (قریب و همکاران، 1363: 53) سخن گفته‌اند؛ مشکوه‌الدینی دو نوع گذشته نقلی با عنوان‌های ماضی نقلی و ماضی نقلی استمراری (مشکوه‌الدینی، 1370: 32-33) و فرشیدور سه نوع گذشته نقلی با نام‌های مضارع کامل (گذشته ساده نقلی)، مضارع نیمه کامل (گذشته استمراری نقلی) و ماضی دورتر (فرشیدور، 1388: 398) برمی‌شمرد. انوری و احمدی گیوی چهار نوع گذشته نقلی با نام‌های ماضی نقلی، ماضی نقلی مستمر، ماضی ابعده و ماضی مستمر نقلی ذکر کرده‌اند (انوری و احمدی گیوی، 1395: 61-52). وحیدیان کامیار نیز از چهار نوع گذشته نقلی با عنوان‌های نقلی ساده، استمراری نقلی، بعید نقلی و مستمر نقلی سخن می‌راند (وحیدیان کامیار، 1385: 37). لازم به ذکر است که گونه‌هایی که ذکر شد صرفاً در نام‌گذاری آن‌ها اختلاف نظر است. مثلاً انوری و احمدی گیوی به استمراری نقلی «ماضی نقلی مستمر» (انوری و احمدی گیوی، 1395: 55) می‌گویند و فرشیدور آن را «مضارع اخباری نیمه کامل» (فرشیدور، 1388: 401) می‌نامد.

گذشته نقلی در گویش سلامی مبحثی بسیار مهم و قابل توجه است و دارای گونه‌هایی می‌باشد. این زمان در گویش مورد بحث، دارای اصول و قواعدی خاص است و علاوه بر نوشتار، شیوه گفتار و فاصله زمانی رخداد فعل هم در آن نقش دارد. اینجاست که مساله تحقیق شکل می‌گیرد و این پرسش مطرح می‌شود: 1. گذشته نقلی در گویش سلامی چگونه ساخته می‌شود؟ 2. آیا گونه‌های گذشته نقلی‌ای که در فارسی معیار توسط دستورنویسانی همچون انوری و احمدی گیوی و وحیدیان کامیار ذکر شده است، در این گویش کاربرد دارد؟ 3. اگر این گونه‌ها کاربرد دارد، کم و کیف آن چگونه است؟ 4. فاصله زمانی رخداد فعل در این گویش چه اهمیتی دارد؟ آیا شناسه‌های گذشته نقلی در گویش سلامی با فارسی معیار تفاوت دارد؟ 5. در این گویش تکیه در زمان گذشته نقلی چه نقشی دارد؟ پاسخ دادن به این پرسش‌ها کمک می‌کند تا جنبه‌های پوشیده زبان فارسی آشکارتر گردد و اینگونه فارسی معیار نیز شکل کامل‌تر و جامع‌تری پیدا کند.

1-2. پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه پژوهش باید گفت که توصیف گویش سلامی برای نخستین بار است که صورت می‌گیرد و تاکنون هیچ کس به توصیف گویش سلامی نپرداخته است.

1-3. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از طریق گفت‌وگو با گویشوران و ضبط سخنان آن‌ها و سپس نقد و تحلیل پرسش‌نامه‌هایی که از سوی گویشوران پر شده بود، به شیوه گویش‌شناسی سنتی انجام گرفته است. از جمله این گویشوران عبارتند از: اکبر ابراهیم‌بای سلامی (73 ساله و سواد در حد اول ابتدایی)، عزیزاله ابراهیم‌بای سلامی (86 ساله و بی‌سواد)، رحیم احمدیان سلامی (78 ساله و دارای سواد قرآن‌خوانی)، فاطمه باقری (74 ساله و سواد در

3. ابن حوقل در کتاب صورہ الارض می‌نویسد: «نیشابور حدود پهناور و روستاهای آباد دارد و شهرهای معروف آن عبارتند از: بوزجان (بوزگان)، مالن که معروف است به کواخرز، خایمند، سلومک، سنکان، زوزن، کندر، ترشیز، خان‌روان، آزادوار، خسروگرد، بهمن‌آباد، مزینان، سبزواری، دیواره، مهرجان، اسفراین، خوجان (قوجان)، و ریوند» (ابن حوقل، 1345: 168 و 169). مقدسی در کتاب احسن‌التفاسیم فی معرفه‌الاقالیم اینگونه سخن می‌راند: «خواف کوچک و مرکز مویز است. نام شهرش سلومک است» (مقدسی، 1361: 467). اصطخری در کتاب مسالک‌الممالک می‌گوید: «ولنیشابور حدود واسعة و رساتیق عامره ولها مدن منها البوزجان و مالن المعروف بکواخرز و جایمند و سلومک و سنکان و زوزن و کندر و ...» (اصطخری، 1927: 256). لسترنج، از شرق شناسان و پژوهشگران نامی انگلیسی دوره قاجار، در کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی نیز چنین می‌گوید: «خواف در قرن چهارم به فراوانی مویز و انار شهرت داشت و شهر سلومک که بعدها آنرا سلام نوشتند در زمانهای قدیم بزرگترین شهرهای آن ناحیه بوده است» (لسترنج، 1377: 383).

4. حمدالله مستوفی در سال 740 ه.ق در کتاب نزه‌القلوب در ذیل توضیح خواف گفته است: «سلامه، سنجان، زوزن از توابع آن است که ملک زوزن در آنجا عمارت عالی ساخت» (مستوفی، 1378: 219).

حد ابتدایی)، حسین شیردل (83 ساله و دارای سواد قرآن خوانی) و علی اکبر علیزاده (78 ساله و سواد در حد ابتدایی)؛ در ضمن لازم به ذکر است که خود پژوهنده نیز یک گویشور می باشد. در این پژوهش، انواع گذشته نقلی در فارسی معیار و گویش سلامی بر اساس کتب دستوری وحیدیان کامیار (1385) و انوری و احمدی گیوی (1395) بررسی و توصیف شده است. نگاه غالب در نام گذاری زمان ها، دیدگاه وحیدیان کامیار می باشد. در زمینه آوانگاری از الفبای فارسی و IPA استفاده شده است. اکنون به بررسی انواع گذشته نقلی در گویش سلامی پرداخته می شود:

2. گذشته ساده نقلی

گذشته ساده نقلی در فارسی معیار از «بن ماضی + ه و فعل های کمکی ام، ای، است، ایم، اید، اند ساخته می شود» (انوری و احمدی گیوی، 1395: 52). مانند: «گفته ام، گفته ای، گفته است»، گفته ایم، گفته اید، گفته اند» (وحیدیان کامیار، 1385: 37).

در گویش سلامی این زمان با ظرافت بیشتری به کار می رود و بر حسب فاصله زمانی رخ داد فعل، شناسه های آن تغییر می کند؛ به همین خاطر این زمان با دو عنوان نام گذاری می شود:

الف) گذشته ساده نقلی نزدیک (نقلی نزدیک)

ب) گذشته ساده نقلی دور (نقلی دور)

1-2. گذشته ساده نقلی نزدیک (نقلی نزدیک)

گذشته نقلی ای است که رخ داد فعل در فاصله زمانی نزدیکی باشد. از این زمان معمولاً زمانی استفاده می شود که مدت زمانی تعداد شب یا روز آن به اندازه انگشتان دست (10 روز یا شب) باشد. شیوه ساخت این فعل بسته به ساختمان فعل به صورت زیر است:

ساده = «ب»/be- یا «ب»/bo- + بن گذشته (ماضی) + شناسه ← بنوشتَم/benveʃtam/ (نوشته ام)

پیشوندی = بن گذشته + شناسه ← وِرگوْفْتَن/verguʃten/ (گفته اید)

مرکب = بخش پیشین فعل یا فعلیاری + همکرد + شناسه ← رِبِی کِرْدَ/raji ker'da/ (فرستاده است)

شناسه های این زمان به ترتیب عبارتند: م/am/، ی/aj/، م/em/، ن/en/، ن/an/.

اکنون مصدر «نوشتن» را به زمان گذشته نقلی در فارسی معیار و گویش سلامی صرف می شود:

جدول 1. 1-2. 1. صرف مصدر «نوشتن» در زمان گذشته نقلی نزدیک

شناسه	بن فعل	پیشوند	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
م/am/	نوشت/neveʃt/	ب-/be-	بنوشتَم/benveʃtam/	نوشته ام	اول شخص مفرد
ی/aj/	نوشت/neveʃt/	ب-/be-	بنوشتِی/benveʃtaj/	نوشته ای	دوم شخص مفرد
ن/an/	نوشت/neveʃt/	ب-/be-	بنوشتَن/benveʃtan/	نوشته اند	سوم شخص مفرد
م/em/	نوشت/neveʃt/	ب-/be-	بنوشتِیم/benveʃtem/	نوشته ایم	اول شخص جمع
ن/en/	نوشت/neveʃt/	ب-/be-	بنوشتِین/benveʃten/	نوشته اید	دوم شخص جمع
ن/an/	نوشت/neveʃt/	ب-/be-	بنوشتِتان/benveʃtan/	نوشته اند	سوم شخص جمع

همان گونه که در جدول «1-2.1» قابل مشاهده است تفاوت های بسیاری بین شناسه های این زمان در فارسی معیار و گویش سلامی وجود دارد. از تفاوت های بارز و خیلی مهم آن واکه «-ا»/a/ در سوم شخص مفرد است. در فارسی معیار، هیچ فعلی شناسه اش به صورت مستقل واکه (مصوت) نیست اما در گویش سلامی واکه می تواند در جایگاه شناسه قرار بگیرد. در سوم شخص این زمان، واکه «-ا»/a/ را نباید به عنوان نشانه صفت مفعولی لحاظ کرد؛ زیرا نشانه صفت مفعولی باید در تمامی شش شخص فعل به صورت مستقل تکرار شود - یعنی به عنوان بخشی از بن فعل یا شناسه نباشد و در شش شخص وجود داشته باشد - در حالی که واکه «-ا»/a/ در تمام شخص ها به صورت مستقل به کار نرفته است. شناسه های این زمان در شخص های مفرد با زمان گذشته ساده متفاوت است اما در شخص های جمع مشترکند. تفاوت این زمان با زمان گذشته ساده در شخص های جمع فقط در شیوه بیان می باشد. در گذشته ساده با ساختمان ساده، تاکید بر روی هجای نخستین است ولی در گذشته نقلی نزدیک، تکیه بر روی هجای پایانی است.

جدول 2. 1-2. 2. صرف مصدر «نوشتن» در زمان گذشته ساده

شناسه	بن فعل	پیشوند	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/om/م ^۰	نوشت /neveʃt/	بـ /be-/	بنوشتُم /benveʃtom/	نوشتم	اول شخص مفرد
/i/ی	نوشت /neveʃt/	بـ /be-/	بنوشتی /benveʃti/	نوشتی	دوم شخص مفرد
/ak/ک ⁻	نوشت /neveʃt/	بـ /be-/	بنوشتک /benveʃtak/	نوشت	سوم شخص مفرد
/em/م ⁼	نوشت /neveʃt/	بـ /be-/	بنوشتیم /benveʃtem/	نوشتیم	اول شخص جمع
/en/ن ⁼	نوشت /neveʃt/	بـ /be-/	بنوشتین /benveʃten/	نوشتید	دوم شخص جمع
/an/ن ⁻	نوشت /neveʃt/	بـ /be-/	بنوشتن /benveʃtan/	نوشتند	سوم شخص جمع

از جدول «2-1» مشخص می‌شود که تنها تفاوت گذشته نقلی نزدیک با گذشته ساده در شخص‌های جمع، فقط در جایگاه تکیه می‌باشد. در فعل‌های با ساختمان پیشوندی، جایگاه تکیه در گذشته نقلی نزدیک در هجای پایانی است اما در گذشته ساده بعد از پیشوند است که در جدول‌های «3-2» و «4-2-1» بدان پرداخته شده است. گذشته نقلی نزدیک از مصدر «گفتن»:

جدول 3-2-1. صرف مصدر «گفتن» در زمان گذشته نقلی نزدیک

شناسه	بن فعل	پیشوند	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/am/م ⁻	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتُم /verguʃ'tam/	گفته‌ام	اول شخص مفرد
/aj/ی ⁻	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتی /verguʃ'taj/	گفته‌ای	دوم شخص مفرد
/a/ا ⁻	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتِ ا /verguʃ'ta/	گفته است	سوم شخص مفرد
/em/م ⁼	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتیم /verguʃ'tem/	گفته‌ایم	اول شخص جمع
/en/ن ⁼	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتین /verguʃ'ten/	گفته‌اید	دوم شخص جمع
/an/ن ⁻	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتن /verguʃ'tan/	گفته‌اند	سوم شخص جمع

گذشته ساده از مصدر «گفتن»:

جدول 4-2-1. صرف مصدر «گفتن» در زمان گذشته ساده

شناسه	بن فعل	پیشوند	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/om/م ^۰	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتُم /ver'guftom/	گفتم	اول شخص مفرد
/i/ی	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتی /ver'gufti/	گفتی	دوم شخص مفرد
/ak/ک ⁻	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتک /ver'guftak/	گفت	سوم شخص مفرد
/em/م ⁼	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتیم /ver'guftem/	گفتیم	اول شخص جمع
/en/ن ⁼	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتین /ver'guften/	گفتید	دوم شخص جمع
/an/ن ⁻	گوفت /guft/	وَر /ver-/	وَرگوفتن /ver'guftan/	گفتند	سوم شخص جمع

لازم به ذکر است که مصدر «گفتن» که در گویش سلامی به صورت «وَرگوفتن» /verguʃ'tan/ می‌باشد، از نظر ساختمانی در این گویش پیشوندی است.

در فعل‌های با ساختمان مرکب هم جایگاه تکیه در این گویش خیلی مهم است و بسته به اینکه تکیه در کدام قسمت فعل باشد، زمان فعل تغییر می‌کند. همان گونه که در جدول «5-2-1» و جدول «6-2-1» مشخص است، فعل‌های مرکب در گذشته ساده تکیه آن‌ها بر روی هجای ماقبل آخر فعل اصلی است اما در گذشته نقلی نزدیک تکیه بر روی هجای پایانی است. در شخص‌های مفرد هم شناسه‌ها و جایگاه تکیه متفاوت است ولی در شخص‌های جمع شناسه‌ها یکسان است و تنها تفاوتشان در جایگاه تکیه می‌باشد. گذشته نقلی نزدیک از مصدر «از پا افتاد»:

جدول 5. 1-2. صرف مصدر «از پا افتادن» در زمان گذشته نقلی نزدیک

شناسه	بن فعل	پیشوند	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/am/م-	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتییم /'ʔez 'pa bofti 'jam/	از پا افتاده‌ام	اول شخص مفرد
/aj/ی-	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتییی /'ʔez 'pa bofti 'jam/	از پا افتاده‌ای	دوم شخص مفرد
/a/ا-	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتیی /'ʔez 'pa bofti 'jam/	از پا افتاده است	سوم شخص مفرد
/em/م=	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتییم /'ʔez 'pa bofti 'jam/	از پا افتاده‌ایم	اول شخص جمع
/en/ن=	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتیین /'ʔez 'pa bofti 'jam/	از پا افتاده‌اید	دوم شخص جمع
/an/ن-	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتیین /'ʔez 'pa bofti 'jam/	از پا افتاده‌اند	سوم شخص جمع

گذشته ساده از مصدر «از پا افتادن»:

جدول 6. 1-2. صرف مصدر «از پا افتادن» در زمان گذشته ساده

شناسه	بن فعل	پیشوند	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/om/م-	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتییم /'ʔez 'pa bof 'tijom/	از پا افتادم	اول شخص مفرد
/i/ی	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتییی /'ʔez 'pa bof 'tiji/	از پا افتادی	دوم شخص مفرد
/ak/ک-	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتییک /'ʔez 'pa bof 'tijak/	از پا افتاد	سوم شخص مفرد
/em/م=	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتییم /'ʔez 'pa 'bof 'tijem/	از پا افتادیم	اول شخص جمع
/en/ن=	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتیین /'ʔez 'pa bof 'tijen/	از پا افتادید	دوم شخص جمع
/an/ن-	/ʔez pa ʔoftij/ از پا اُفتیی	بُ-/bo-	از پا بُفتیین /'ʔez 'pa bof 'tijan/	از پا افتادند	سوم شخص جمع

مثال در قالب جمله برای گذشته نقلی نزدیک:

گویش سلامی: ما نونار امرو صب بخرییم /Ma nunar ʔemru sob bexeri 'jem/

فارسی معیار: ما نان‌ها را امروز صبح خریده‌ایم.

از مجموع بررسی‌های بالا مشخص می‌شود که برای ساخت این زمان برخلاف فارسی معیار از صفت مفعولی استفاده نمی‌شود. بن فعلی همچون گذشته ساده با پیشوندهای خاص خود می‌آید و این تکیه (در هر شش شخص) و شناسه (در سه شخص مفرد) است که تعیین کننده زمان فعل است.

2-2. گذشته ساده نقلی دور (نقلی دور)

گذشته نقلی ای است که رخ داد فعل در فاصله زمانی دوری باشد. از این زمان معمولاً زمانی استفاده می شود که مدت زمانی تعداد شب یا روز آن بیشتر از تعداد انگشتان دست (بیشتر از 10 روز یا شب) باشد. شیوه ساخت این فعل به صورت زیر است:

«ب-»/be-/ یا «بُ»/bo-/ یا «وَر»/ver- + بن گذشته - /a/ + شناسه شناسه های این زمان به ترتیب عبارتند از: /jom/ + پی /ji/ + ی /ja/، /jem/، /jen/، /jin/، /jan/ جدول 7.2-2. صرف مصدر «نوشتن» در زمان گذشته نقلی دور

شخص	فارسی معیار	گویش سلامی	پیشوند	بن فعل	نشانه صفت مفعولی	شناسه
1. مفرد	نوشته ام	/benveʃˈtadjom/ بنوشتم	/be-/ ب-	/neveʃt/ نوشت	/a/ -	/jom/ جوم
2. مفرد	نوشته ای	/benveʃˈtaji/ بنوشتی	/be-/ ب-	/neveʃt/ نوشت	/a/ -	/ji/ جی
3. مفرد	نوشته است	/benveʃˈtaja/ بنوشتی	/be-/ ب-	/neveʃt/ نوشت	/a/ -	/ja/ جی
1. جمع	نوشته ایم	/benveʃˈtadjem/ بنوشتم	/be-/ ب-	/neveʃt/ نوشت	/a/ -	/jem/ جم
2. جمع	نوشته اید	/benveʃˈtajen/ بنوشتم	/be-/ ب-	/neveʃt/ نوشت	/a/ -	/jen/ جن
3. جمع	نوشته اند	/benveʃˈtajan/ بنوشتم	/be-/ ب-	/neveʃt/ نوشت	/a/ -	/jan/ جان

همانگونه که در جدول «7.2-2» مشخص شده است، در این نوع گذشته نقلی بر خلاف گذشته نقلی نزدیک برای ساخت آن از صفت مفعولی استفاده می شود. در این زمان واکه «- /a/ بر سر بن گذشته می آید و صفت مفعولی می سازد و در همه شش شخص فعل قبل از شناسه تکرار می شود. جایگاه تکیه در این زمان در هجای پیش از هجای پایانی است.

نکته 1: مصدرهای بدون پیشوند و پیشوندی در گویش کنونی سلامی پیشوند صرفی «ب-»/be-/ یا «بُ»/bo-/ نمی گیرند. مصدرهای بدون پیشوند عبارتند از: آمدن، دیدن، کردن، داشتن، پنداشتن.

در جدول «8.2-2» از مصدرهای بدون پیشوند شکل اول شخص آن ها به عنوان نمونه آمده است. همانگونه قابل مشاهده می باشد در هیچ یک از مصدرها، پیشوند صرفی «ب-»/be-/ یا «بُ»/bo-/ نیامده است.

جدول 8.2-2. مصدرهای بدون پیشوند در گویش سلامی

مصدر	اول شخص مفرد در فارسی معیار	اول شخص مفرد نقلی نزدیک در گویش سلامی	اول شخص مفرد نقلی دور در گویش سلامی
آمدن	آمده ام	/ʔamijam/ امییم	/ʔamijam/ امییم
دیدن	دیده ام	/dijam/ دییم	/dijam/ دییم
کردن	کرده ام	/kerdam/ کردم	/kerdam/ کردم
داشتن	داشته ام	/deʃtam/ دشتم	/deʃtam/ دشتم
پنداشتن	پنداشته ام	/pendeʃtam/ پندشتم	/pendeʃtam/ پندشتم

نکته 2: مصدر «دادن» هم با پیشوند و هم بدون پیشوند کاربرد دارد که شکل پیشونددارش کهن تر است:

گذشته نقلی نزدیک با پیشوند ← بدایی /bedajaz/ (داده ای)

گذشته نقلی نزدیک بدون پیشوند ← دایی /dajaz/ (داده ای)

گذشته نقلی دور با پیشوند ← بدایی /bedajazi/ (داده ای)

گذشته نقلی دور بدون پیشوند ← دایی /dajazi/ (داده ای)

نکته 3: در گذشته نقلی نزدیک، آثار به جا مانده نسبت به گذشته نقلی دور پررنگ تر است و برای گوینده تداعی ذهنی بیشتری دارد.

مثال در قالب جمله برای گذشته نقلی دور:

گویش سلامی: ما ای زمینر چن سال پش بخرییم /Ma ʔi zeminer tʃan sal peʃ bexeri ʃajem/

فارسی معیار: ما این زمین را چند سال پیش خریده ایم.

عمل خریدن انجام شده اما جزئیات آن به طور کامل در ذهن گوینده نیست.

نکته 3: گاهی گویشوران موضوعی که برایشان تداعی ذهنی خیلی قوی ای دارد، بیشتر از ده روز هم اگر گذشته باشد به صورت گذشته نقلی نزدیک به کار می برند که با این کار جنبه تاکید پیدا می کند:

گویش سلامی: م ای دِرسار از خِلِ وَخِ پِشِ از بَرِ بییم /mo ʔi dersar ʔez xelexe vax peʃ ʔez bar bijam/
فارسی معیار: من این درس ها را از خیلی وقت پیش از حفظ بودام.

گوینده با زبان کنایه و حالت تاکیدی می گوید که من از تمام فنون تو از گذشته آگاه بوده ام و اکنون نیز بدان مسلطم.
از طرفی گاهی موضوعی که برای گوینده چندان تداعی ذهنی مشخصی ندارد یا گوینده به دنبال بزرگنمایی و یا غیر عادی نشان دادن کاری باشد - با وجود اینکه رخداد فعل کمتر از ده روز باشد - با گذشته نقلی دور به کار می برد:

گویش سلامی: از وختِ کِ آمیییم هِنو نَنَسْتیم زیبَرِتِ کِنِم /ʔez vaxte ke ʔamijajem hanu natanestajem ziyarat kenem/
فارسی معیار: از زمانی که آمده ایم هنوز نتوانسته ایم زیارت کنیم.

کاربرد گذشته نقلی دور در جمله بالا بیانگر این است که اتفاق غیر عادی رخ داده است.

3. گذشته استمراری نقلی

هرگاه قبل از گذشته ساده نقلی، پیشوند «می» بیاید به آن گذشته استمراری نقلی می گویند:

می + نوشته ام ← می نوشته ام

یا به عبارت مختصر «می + گذشته ساده نقلی ← می گفته ام» (وحیدیان کامیار، 1385: 37).

به این زمان، «ماضی نقلی مستمر» (انوری و احمدی گیوی، 1395: 55) هم می گویند. در گویش مورد بحث کاربرد این زمان به گونه ای دیگر است؛ یعنی این زمان همچون گذشته نقلی، بسته به فاصله زمانی رخ داد آن دو گونه می باشد که می توان آن ها را با این عنوان ها نام گذاری کرد: الف) گذشته استمراری نقلی نزدیک

ب) گذشته استمراری نقلی دور

3-1. گذشته استمراری نقلی نزدیک

گذشته استمراری نقلی ای است که رخ داد فعل در فاصله زمانی نزدیکی باشد. شیوه ساخت این فعل به صورت زیر است:

1) می /mi-/ + بن گذشته + شناسه

2) م /me-/ + بن گذشته + شناسه

3) م /mo-/ + بن گذشته + شناسه

4) م /ma-/ + بن گذشته + شناسه

شناسه های این زمان عبارتند از: /am/، /a/، /aj/، /a/، /em/، /en/، /an/

در گویش سلامی با کاربرد بن گذشته در حالت استمراری، حالت هایی در آغاز بن گذشته رخ می دهد که با عنوان های زیر نام گذاری می شود:

1. حذف

2. ابدال

3. ایستا (ساکن)

4. بدون تغییر

اکنون به بررسی گونه های ساخت گذشته استمراری نقلی نزدیک و حالت هایی که در آغاز بن گذشته در این زمان رخ می دهد پرداخته

می شود:

3-1-1. می /mi-/ + «ی» /z/ میانجی + بن فعل + شناسه

این گونه مربوط به مصدرهایی است که در فارسی معیار با «آ» /ʔa/ آغاز می شوند. مانند: آمدن، آوردن و ... :

گذشته ساده: آمیم /ʔmajom/ (آمدم)

گذشته استمراری نقلی نزدیک: می /mi-/ + ی میانجی + آمیی /ʔamij/ + م /am/ ← می مییم /mijami'jam/ (می آمده ام)

نکته: بن فعل در اصل «آمی» /ʔamaj/ می باشد که جهت آسانی تلفظ در گذشته نقلی و گونه های آن تبدیل به «آمی» /ʔamij/ می شود. گذشته ساده: اووردی /ʔavurdi/ (اووردی)

گذشته استمراری نقلی نزدیک: می /mi-/ + ی میانجی + اوورد /ʔavurd/ + م /m/ ← میووردَم /mijavurdam/ (می آورده ام)
در این مصدرها فرایند «حذف» صورت گرفته است؛ زیرا همزه از آغاز بن فعل حذف شده است.
اکنون به عنوان نمونه مصدر «آوردن» صرف می شود:

جدول 9. 1-3-1. صرف مصدر «آوردن» با پیشوند «می» /mi-/ استمرار در گذشته نقلی نزدیک

شخص	فارسی معیار	گویش سلامی	پیشوند	بن فعل	شناسه
اول شخص مفرد	می آوردم	میووردَم /mijavurdam/	می /mi-/	اوورد /ʔavurd/	م /m/ - /am/
دوم شخص مفرد	می آوردی	میووردِی /mijavurdaj/	می /mi-/	اوورد /ʔavurd/	ی /aj/ - /aj/
سوم شخص مفرد	می آورد	میوورد /mijavurda/	می /mi-/	اوورد /ʔavurd/	ا /a/ - /a/
اول شخص جمع	می آوردیم	میووردِم /mijavurdem/	می /mi-/	اوورد /ʔavurd/	م /em/ - /em/
دوم شخص جمع	می آوردید	میووردِن /mijavurden/	می /mi-/	اوورد /ʔavurd/	ن /en/ - /en/
سوم شخص جمع	می آوردند	میووردَن /mijavurdan/	می /mi-/	اوورد /ʔavurd/	ن /an/ - /an/

جدول «9. 1-3-1» نشان می دهد که پیشوند «می» /mi-/ استمرار در تمامی شخص های فعل با تلفظ یکسان همچون فارسی معیار به کار می رود. در ضمن نشان می دهد که با آمدن پیشوند «می» /mi-/ بر سر بن فعل، همزه در شش شخص فعل از بن فعل حذف شده است.

3-1-2. م /me-/ + بن گذشته + شناسه

از این گونه زمانی استفاده می شود که:

1) واج بعد از پیشوند صرفی در گذشته ساده، واکه «- /a/» یا «و» /u/ بگیرد:

گذشته ساده: برفتک /beraftak/ (رفت)

گذشته استمراری نقلی نزدیک: مرفت /meref'ta/ (می رفته است)

بعد از واج «ر» /r/ واکه «- /a/» آمده است. پس اگر این فعل تبدیل به گذشته استمراری نقلی شود از پیشوند «م» /me-/ استفاده می شود. در

این فعل در آغاز بن گذشته، واکه «- /a/» به واکه «= /e/» تبدیل شده است؛ در نتیجه فرایند «ابدال» رخ داده است.

گذشته ساده: ورگوفتک /verguftak/ (گفت)

گذشته استمراری نقلی نزدیک: ورمگوفت /vermeguf'ta/ (می گفته است)

بعد از واج «گ» /g/ واکه «و» /u/ آمده است؛ پس اگر این فعل تبدیل به گذشته استمراری نقلی شود از پیشوند «م» /me-/ استفاده می شود.

آغاز بن گذشته این فعل «بدون تغییر» است.

2) زمانی که حرف نخستین بن فعل، همخوان «ن» /n/ باشد.

در این گونه فعل ها از پیشوند «م» /me-/ استفاده می شود و حرف نخستین بن گذشته در تمامی شخص ها ساکن می شود و فرایند «ایستا» رخ

می دهد.

مصدر «نوشتن» در حالت اول شخص گذشته استمراری نقلی نزدیک ← منوشتَم /menvef'tam/ (می نوشته ام)

3) زمانی که بن گذشته با تکواژ «/ʔe/» آغاز شود:

مصدر «انچستن» /ʔentʃestan/ (نشستن):

م /me/ + انچست + شناسه «-ن» /an/ = منچستن /mentʃas'tan/ (می نشسته اند)

در این مصدر فرایند حذف رخ داده است؛ زیرا تکواژ «/ʔe/» حذف شده است.

به عنوان شاهد مثال برای پیشوند «م» /me-/ استمرار، مصدر «پوشیدن» می شود:

جدول 10. 1-3-2. صرف مصدر «پوشیدن» با پیشوند «م» /me-/ استمرار در گذشته نقلی نزدیک

شخص	فارسی معیار	گویش سلامی	پیشوند	بن فعل	شناسه
-----	-------------	------------	--------	--------	-------

/am/م-	/puʃiʃj/پوشی	/me-/م	/mepuʃiʃjam/میپوشیدم	می پوشیده ام	اول شخص مفرد
/aj/ی-	/puʃiʃj/پوشی	/me-/م	/mepuʃiʃjaj/میپوشیدی	می پوشیده ای	دوم شخص مفرد
/a/ا-	/puʃiʃj/پوشی	/me-/م	/mepuʃiʃja/میپوشید است	می پوشیده است	سوم شخص مفرد
/em/م=	/puʃiʃj/پوشی	/me-/م	/mepuʃiʃjem/میپوشیدیم	می پوشیده ایم	اول شخص جمع
/en/ن=	/puʃiʃj/پوشی	/me-/م	/mepuʃiʃjen/میپوشیدین	می پوشیده اید	دوم شخص جمع
/an/ن-	/puʃiʃj/پوشی	/me-/م	/mepuʃiʃjan/میپوشیدین	می پوشیده اند	سوم شخص جمع

از جدول «10. 3-1-2» چنین برمی آید که پیشوند «م»/me- استمرار، گونه ای دیگر از پیشوند استمرار است که در تمامی شخص های فعل گذشته استمراری نقلی به صورت یکسان تکرار می شود.

3-1-3 م/ mo- + بن گذشته + شناسه

از این گونه زمانی استفاده می شود که حرکت حرف بعد از پیشوند صرفی در گذشته ساده، «ا»/a باشد:

گذشته ساده: بلمبوندن /bolombunden/ (خراب کردید)

گذشته استمراری نقلی نزدیک: بلمبوندن /bolombun'den/ (خراب کرده اید)

در این فعل هیچ تغییری رخ نداده است.

گذشته ساده: بخردن /boxordan/ (خوردند)

گذشته استمراری نقلی نزدیک: مخردن /moxor'dan/ (می خورده اند)

در بن این فعل هیچ تغییری رخ نداده است.

حال مصدر «فتادن» به عنوان مصداقی برای پیشوند «م»/mo- استمرار صرف می شود:

جدول 11. 3-1-3. صرف مصدر «فتادن» با پیشوند «م»/mo- استمرار در گذشته نقلی نزدیک

شناسه	بن فعل	پیشوند	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/am/م-	/moftij/مفتی	/mo-/م	/mofti'jam/مفتیدم	می افتاده ام	اول شخص مفرد
/aj/ی-	/moftij/مفتی	/mo-/م	/mofti'jaj/مفتیدی	می افتاده ای	دوم شخص مفرد
/a/ا-	/moftij/مفتی	/mo-/م	/mofti'ja/مفتید است	می افتاده است	سوم شخص مفرد
/em/م=	/moftij/مفتی	/mo-/م	/mofti'jem/مفتیدیم	می افتاده ایم	اول شخص جمع
/en/ن=	/moftij/مفتی	/mo-/م	/mofti'jan/مفتیدین	می افتاده اید	دوم شخص جمع
/an/ن-	/moftij/مفتی	/mo-/م	/mofti'jan/مفتیدین	می افتاده اند	سوم شخص جمع

جدول «11. 3-1-3» نشان می دهد که پیشوند «م»/mo- در تمامی شخص های فعل به صورت یکسان به کار رفته است و گونه ای دیگر از پیشوند استمرار است. در صرف این فعل فرایند حذف رخ داده است؛ زیرا همزه از آغاز بن فعل حذف شده است.

3-1-4 م/ ma- + بن گذشته + شناسه

این گونه فقط در مصدر «پستن»/jestan/ (خواستن) کاربرد دارد که در این گویش به دو شکل ساخته می شود:

(الف) م/ma- + پست /jest/ + شناسه ← میستم /majestam/ (می خواسته ام)

(ب) م/ma- + ست /st/ + شناسه ← مستم /mastam/ (می خواسته ام)

نکته ای که باید اینجا متذکر شد این است که مورد «الف» و «ب» هر دو مربوط به یک زمان هستند و هیچ تفاوتی ندارند. دو گونه متفاوت دانستن آنها اشتباه می باشد؛ زیرا مورد «ب» حالت مخفف شده «الف» می باشد. در گونه «الف» بن فعل مصدر «پستن»/jestan/ بدون تغییر پیشوند «م»/ma- استمرار گرفته است؛ ولی در گونه «ب» در بن فعل فرایند حذف رخ داده است؛ زیرا تکواژ «ی»/je/ حذف شده است.

اگر مصدر «پستن»/jestan/ (خواستن) در این زمان صرف شود، بدین گونه خواهد بود:

جدول 12. 3-1-4. صرف مصدر «پستن»/jestan/ با پیشوند «م»/ma- استمرار در گذشته نقلی نزدیک

شناسه	بن فعل	پیشوند	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/am/م	/jest/یست	م/ma-	مِیسْتَم/majes'tam/	می خواسته‌ام	اول شخص مفرد
/aj/ی	/jest/یست	م/ma-	مِیسْتِی/majes'taj/	می خواسته‌ام	دوم شخص مفرد
/a/ا	/jest/یست	م/ma-	مِیسْت/majes'ta/	می خواسته‌ام	سوم شخص مفرد
/em/م	/jest/یست	م/ma-	مِیسْتَم/majes'tem/	می خواسته‌ام	اول شخص جمع
/en/ن	/jest/یست	م/ma-	مِیسْتِن/majes'ten/	می خواسته‌ام	دوم شخص جمع
/an/ن	/jest/یست	م/ma-	مِیسْتَن/majes'tan/	می خواسته‌ام	سوم شخص جمع

از جدول «1.2-3-4» مشخص می‌شود که پیشوند «م/ma-» استمرار پیشوندی مستقل است و در تمامی شخص‌های فعل به صورت یکسان تکرار می‌شود.

نکته: م/ me- یا م/ mo- در فعل‌های پیشوندی، بعد از پیشوند و در فعل‌های مرکب، همراه همکرد می‌آیند:

پیشوندی: ورمگوفتم /vermeguf tam/

مرکب: ریی مکردم /'raji meker' dam/

شناسه‌های مفرد این زمان با گذشته استمراری متفاوت است ولی در شناسه‌های جمع با هم یکسانند. تفاوت شخص‌های جمع این زمان با زمان گذشته استمراری فقط در شیوه بیان می‌باشد؛ بدین صورت که در گذشته استمراری، جایگاه تکیه بر روی پیشوندهای استمرار (/mi- /ma- /mo- /me- / است؛ اما در گذشته استمراری نقلی نزدیک، در تمامی پیشوندهای استمرار تکیه بر روی هجای پایانی است:

پیشوند صرفی «می» /mi-/

گذشته استمراری: مییووردم /'mijavurdem/ (می‌آوردیم) ← تکیه بر روی «می» /mi-/ استمرار

گذشته استمراری نقلی نزدیک: مییووردم /'mijavur'dem/ (می‌آورده‌ایم) ← تکیه بر روی هجای «دم» /dem/

پیشوند صرفی «م» /me-/

گذشته استمراری: میبافتم /'mebaftem/ (می‌رفتیم) ← تکیه بر روی «م» /me-/ استمرار

گذشته استمراری نقلی: میبافتم /'mebaf'tem/ (می‌رفته‌ایم) ← تکیه بر روی هجای «تم» /tem/

پیشوند صرفی «م» /mo-/

گذشته استمراری: مفتیین /'moftijen/ (می‌افتادید) ← تکیه بر روی «م» /mo-/ استمرار

گذشته استمراری نقلی نزدیک: مفتیین /'mofti'jen/ (می‌افتاده‌اید) ← تکیه بر روی هجای «تم» /tem/.

پیشوند صرفی «م» /ma-/

گذشته استمراری: میستم /'majestam/ ← تکیه بر روی «م» /ma-/ استمرار

میستم /'majestam/ (می‌خواسته‌ام) ← تکیه بر روی هجای «تم» /tam/

نکته: اگر فعل مرکب باشد، اختلاف جایگاه تکیه آن‌ها در همکرد است. در گذشته استمراری در هجای آغازین همکرد و در گذشته استمراری نقلی نزدیک در هجای پایانی است:

گذشته استمراری: هلغژ داین /'halqaz'dqjan/

گذشته استمراری نقلی نزدیک: هلغژ داین /'halqaz da'jan/

3-2. گذشته استمراری نقلی دور

گذشته استمراری نقلی‌ای است که رخ داد فعل در فاصله زمانی دوری باشد. شیوه ساخت این فعل به صورت زیر است:

(1) می /mi-/ + بن گذشته + شناسه

(2) م /me-/ + بن گذشته + شناسه

(3) م /mo-/ + بن گذشته + شناسه

(4) م /ma-/ + بن گذشته + شناسه

شناسه‌های این زمان عبارتند از: /jom/ + پی /ji/ + ی /ja/ + یم /jem/ + ین /jen/ + ین /jan/

تمام توضیحات و اصول کاربردی در رابطه با جایگاه و شیوه استفاده از پیشوندهای استمرار و همچنین تغییرات آغازین بن گذشته که در گذشته استمراری نقلی نزدیک ارائه شد، در گذشته استمراری نقلی دور هم صدق می کند.
صرف از مصدر «پوشیدن»:

جدول 13. 1-2-2-1 صرف مصدر «پوشیدن» در زمان گذشته استمراری نقلی دور

شناسه	نشانه صفت مفعولی	بن فعل	پیشوند	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/jom/	/a/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃi'jazjom/	می پوشیده ام	1. مفرد
/zi/	/a/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃi'jazzi/	می پوشیده ای	2. مفرد
/ja/	/a/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃi'jazja/	می پوشیده است	3. مفرد
/jem/	/a/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃi'jazem/	می پوشیده ایم	1. جمع
/jen/	/a/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃi'jazjen/	می پوشیده اید	2. جمع
/jan/	/a/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃi'jazjan/	می پوشیده اند	3. جمع

از مقایسه جدول «13. 1-2-3» با جدول «14. 2-2-3» چنین برمی آید که گذشته استمراری نقلی دور نسبت به گذشته استمراری نقلی نزدیک وجه تمایز بیشتری با گذشته استمراری دارد؛ زیرا در این زمان نه تنها جایگاه تکیه متفاوت است بلکه شناسه های آن هم چه در شخص های مفرد و چه در شخص های جمع با هم متفاوتند؛ در ضمن در گذشته استمراری نقلی دور از «-a/» صفت مفعولی ساز استفاده می شود که در ساختار گذشته استمراری استفاده نمی شود. به عنوان نمونه مصدر «پوشیدن» در زمان گذشته استمراری صرف می شود:

جدول 14. 2-2-3 صرف مصدر «پوشیدن» در زمان گذشته استمراری

شناسه	بن فعل	پیشوند	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/om/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃijom/	می پوشیدم	اول شخص مفرد
/i/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃiji/	می پوشیدی	دوم شخص مفرد
/ak/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃijak/	می پوشید	سوم شخص مفرد
/em/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃijem/	می پوشیدیم	اول شخص جمع
/en/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃijen/	می پوشیدید	دوم شخص جمع
/an/	پوشیی/ /puʃij/	/me-/	/mepuʃijan/	می پوشیدند	سوم شخص جمع

4. گذشته بعید نقلی

گذشته بعید نقلی که به آن «ماضی ابعَد (دورتر)» (انوری و احمدی گیوی، 1395: 57) هم می گویند «از صفت مفعولی (بن ماضی + ه) و ماضی نقلی «بودن» ساخته می شود» (همان: 57) مانند:
«بوده ام، بوده ای، بوده (است)، بوده ایم...» (وحیدیان کامیار، 1385: 37).
در گویش سلامی، این زمان بر حسب فاصله زمانی رخداد فعل به دو گونه تقسیم می شود:
الف) گذشته بعید نقلی نزدیک
ب) گذشته بعید نقلی دور

1-4 گذشته بعید نقلی نزدیک

گذشته بعید نقلی نزدیک در گویش سلامی در تمامی سنین کاربرد دارد و به گونه زیر ساخته می شود:
«ب- /be-/ یا «بُ» /bo-/ + بن گذشته + /a/ + بی /bi/ + شناسه.
شناسه ها در این زمان به ترتیب عبارتند از: -am/، -aj/، -ja/، -em/، -en/، -an/.
اگر مصدر «شستن» را در این زمان صرف شود، اینگونه خواهد بود:

جدول 15. 1-4. صرف مصدر «شستن» در زمان گذشته بعید نقلی نزدیک

شخص	فارسی معیار	گویش سلامی	پیشوند	بن فعل	نشانه صفت مفعولی	فعل کمکی	شناسه
اول شخص مفرد	شسته بوده‌ام	بشوشْتَبِیِم /beʃuʃˈta biˈjam/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	م/am/ -
دوم شخص مفرد	شسته بودهای	بشوشْتَبِیِی /beʃuʃˈta biˈjai/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	ی/aj/ -
سوم شخص مفرد	شسته بوده است	بشوشْتَبِیِ /beʃuʃˈta biˈja/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	/a/ -
اول شخص جمع	شسته بوده‌ایم	بشوشْتَبِیِم /beʃuʃˈta biˈjem/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	م/em/ =
دوم شخص جمع	شسته بودهاید	بشوشْتَبِیِن /beʃuʃˈta biˈjen/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	ن/en/ =
سوم شخص جمع	شسته بوده‌اند	بشوشْتَبِیِن /beʃuʃˈta biˈjan/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	ن/an/ -

4-2. گذشته بعید نقلی دور

گذشته بعید نقلی دور برای زمان خیلی دورتری نسبت به گذشته بعید نزدیک به کار می‌رود و مربوط به گویش مردم کهن سال سلامی است. گویشوران کهن سال اول شخص و دوم شخص مفرد و جمع آن را به ندرت و بر حسب اتفاق به کار می‌برند. گویشوران غیر کهن سال از بعید نقلی نزدیک به صورت مشترک برای گذشته بعید نقلی دور استفاده می‌کنند. شیوه ساخت این زمان همچون گذشته بعید نقلی (بعید نقلی نزدیک) است؛ با این تفاوت که شناسه‌های آن و جایگاه تکیه در فعل کمکی متفاوت است که در جدول‌های «15. 1-4» و «16. 2-4» به طور دقیق و مشخص نشان داده شده است. صرف مصدر «شستن» در این زمان:

جدول 16. 2-4. صرف مصدر «شستن» در زمان گذشته بعید نقلی دور

شخص	فارسی معیار	گویش سلامی	پیشوند	بن فعل	نشانه صفت مفعولی	فعل کمکی	شناسه
اول شخص مفرد	شسته بوده‌ام	بشوشْتَبِیِم /beʃuʃˈta biˈjajom/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	م/jom/ -
دوم شخص مفرد	شسته بودهای	بشوشْتَبِیِی /beʃuʃˈta biˈjai/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	ی/ji/ -
سوم شخص مفرد	شسته بوده است	بشوشْتَبِیِ /beʃuʃˈta biˈjaja/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	ی/ja/ -
اول شخص جمع	شسته بوده‌ایم	بشوشْتَبِیِم /beʃuʃˈta biˈjajem/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	م/jem/ -
دوم شخص جمع	شسته بودهاید	بشوشْتَبِیِن /beʃuʃˈta biˈjajen/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	ن/jen/ -
سوم شخص جمع	شسته بوده‌اند	بشوشْتَبِیِن /beʃuʃˈta biˈjajan/	بِ-/be-	شوشْت /ʃuʃt/	/a/ -	بی/bi/	ن/jan/ -

5. گذشته مستمر نقلی

مستمر نقلی از ماضی نقلی «داشتن» و ماضی نقلی فعل اصلی ساخته می‌شود. این ساخت، فعل را در شرف افتادن یا در حال اتفاق افتادن به طریقه نقلی بیان می‌کند (انوری و احمدی گیوی، 1395: 61).

«داشته می‌گفته (است)، _ ، _ ، داشته‌اند می‌گفته‌اند» (وحیدیان کامیار، 1385: 37).

این زمان نیز همچون دیگر گونه‌های زمان گذشته نقلی بر حسب فاصله زمانی رخداد فعل به دو گروه تقسیم می‌شود:

الف) مستمر نقلی نزدیک

ب) مستمر نقلی دور

5-1. مستمر نقلی نزدیک:

به مستمر نقلی ای گفته می‌شود که رخداد فعل آن در فاصله زمانی نزدیکی باشد. شیوه ساخت این زمان به گونه زیر است:

دِشْت /deft/ + شناسه + گذشته استمراری نقلی نزدیک

صرف مصدر «رفتن»:

جدول 17. 5-1. صرف مصدر «رفتن» در زمان مستمر نقلی نزدیک

شناسه	فعل کمکی	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/am/ م-	دِشْت /deft/	دِشْتَم مَرِفْتَم /deft`tam meref`tam/	داشته‌ام می‌رفته‌ام	اول شخص مفرد
/aj/ ی-	دِشْت /deft/	دِشْتِی مَرِفْتِی /deft`taj meref`taj/	داشته‌ای می‌رفته‌ای	دوم شخص مفرد
/a/ -	دِشْت /deft/	دِشْت مَرِفْت /deft`ta meref`ta/	داشته می‌رفته است	سوم شخص مفرد
/em/ م=	دِشْت /deft/	دِشْتِم مَرِفْتِم /deft`tem meref`tem/	داشته‌ایم می‌رفته‌ایم	اول شخص جمع
/en/ ن=	دِشْت /deft/	دِشْتِن مَرِفْتِن /deft`ten meref`ten/	داشته‌اید می‌رفته‌اید	دوم شخص جمع
/an/ ن=	دِشْت /deft/	دِشْتَن مَرِفْتَن /deft`tan meref`tan/	داشته‌اند می‌رفته‌اند	سوم شخص جمع

5-2. مستمر نقلی دور:

به مستمر نقلی ای گفته می‌شود که رخداد فعل آن در فاصله زمانی دوری باشد. شیوه ساخت این زمان به گونه زیر است:

دِشْت /deft/ + شناسه + گذشته استمراری نقلی دور

شیوه ساخت این زمان شبیه مستمر نقلی نزدیک است؛ با این تفاوت که شناسه‌ها و جایگاه تکیه آن‌ها با هم متفاوت است که با مقایسه جدول

«17-5» با جدول «18-5-2» می‌توان متوجه آن شد.

صرف مصدر «دیدن»:

جدول 18. 5-2. صرف مصدر «دیدن» در زمان مستمر نقلی دور

شناسه	فعل کمکی	گویش سلامی	فارسی معیار	شخص
/jom/ یِم	دِشْت /deft/	دِشْتِیْم مَدِیْیْم /deft`tajom medi`jajom/	داشته‌ام می‌دیده‌ام	اول شخص مفرد
/ji/ یِی	دِشْت /deft/	دِشْتِی مَدِیْی /deft`taji medi`jajom/	داشته‌ای می‌دیده‌ای	دوم شخص مفرد
/ja/ یِ	دِشْت /deft/	دِشْتِی مَدِیْی /deft`taja medi`jajom/	داشته می‌دیده است	سوم شخص مفرد
/jem/ یِم	دِشْت /deft/	دِشْتِیْم مَدِیْیْم /deft`tajem medi`jajem/	داشته‌ایم می‌دیده‌ایم	اول شخص جمع
/jen/ یِن	دِشْت /deft/	دِشْتِیْن مَدِیْیْن /deft`tajem medi`jajen/	داشته‌اید می‌دیده‌اید	دوم شخص جمع
/jan/ یِن	دِشْت /deft/	دِشْتِیْن مَدِیْیْن /deft`tajan medi`jajan/	داشته‌اند می‌دیده‌اند	سوم شخص جمع

در گویش نسل میانسال و جوان سلامی، حالت گذشته مستمر نقلی دور کاربرد ندارد و در بین افراد مسن نیز زمان اول شخص و دوم

شخص مفرد و جمع، به ندرت استفاده می‌شود. حالت سوم شخص مفرد و جمع این زمان یافت نشد؛ گویا از بین رفته است.

6. نتیجه گیری

گویش شهر باستانی سلامی، گویشی بسیار ارزشمند است که سر از دل تاریخ برداشته است و در آن ظرافت‌های زبانی، دستوری، ادبی و تاریخی بسیاری نهفته است. از جمله این ظرافت‌ها، زمان گذشته نقلی فعل است. گذشته نقلی در فارسی معیار نهایتاً چهار گونه می‌باشد. در گویش سلامی بر حسب فاصله زمانی رخداد فعل، این چهارگونه، هشت گونه می‌شوند که عبارتند از: گذشته نقلی نزدیک، گذشته نقلی دور، استمراری نقلی نزدیک، استمراری نقلی دور، بعید نقلی نزدیک، بعید نقلی دور، مستمر نقلی نزدیک، مستمر نقلی دور. شیوه ساخت گذشته نقلی با فارسی معیار تفاوت‌هایی دارد. از جمله این تفاوت‌ها عبارتند از:

1. آمدن پیشوندهای غیر صرفی در آغاز فعل‌های با ساختمان ساده در حالت غیر استمرار که در فارسی معیار کنونی چنین پدیده‌ای رخ نمی‌دهد و مربوط به دستور کهن فارسی است.
 2. در گویش سلامی فاصله زمانی رخداد گذشته نقلی و گونه‌های آن بسیار مهم است در حالی که در فارسی معیار اهمیتی ندارد.
 3. تفاوت دیگر آن تاثیر جایگاه تکیه بر روی فعل است که با تغییر جایگاه تکیه در زمان گذشته نقلی در شخص‌های جمع، بدون تغییر شناسه، زمان فعل از گذشته نقلی نزدیک و گذشته استمراری نزدیک تبدیل به گذشته ساده و گذشته استمراری می‌شود.
 4. پیشوندهای استمرار گویش سلامی در گذشته نقلی استمراری نسبت به فارسی معیار بیش‌تر است.
 5. هرگاه در آغاز گذشته نقلی از پیشوندهای استمرار استفاده شود، یکی از چهار حالت «حذف، ابدال، ایستا، بدون تغییر» در آغاز بن فعل رخ می‌دهد که در فارسی معیار چنین پدیده‌ای رخ نمی‌دهد.
 6. فرق دیگر آن با فارسی معیار در مبحث شناسه‌هاست که با فارسی معیار تفاوت‌های اساسی دارد؛ از جمله اینکه فعل در فارسی معیار در سوم شخص مفرد گذشته نقلی و انواع آن شناسه نمی‌گیرد اما در گویش سلامی، سوم شخص مفرد فعل در تمامی هشت گونه گذشته نقلی شناسه می‌گیرد.
 7. اختلاف دیگر مربوط به واکه‌هاست. واکه‌ها در این گویش از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند. مثلاً واکه « - a/ هم می‌تواند صفت مفعولی بسازد و هم می‌تواند در جایگاه شناسه قرار بگیرد.
 8. در گویش سلامی برخلاف فارسی معیار برای ساخت گذشته نقلی لازم نیست حتماً از صفت مفعولی استفاده شود. در این گویش برخی از گونه‌های گذشته نقلی بدون استفاده از صفت مفعولی ساخته می‌شوند.
- متأسفانه گذشته نقلی دور و انواع آن مخصوصاً در حالت سوم شخص در حال انقراض است. گویشوران کهن‌سال گذشته‌های نقلی دور را براساس آنچه از کودکی فراگرفته‌اند گاه به صورت ناخودآگاه به کار می‌برند. در بین نسل جوان هم به علت ورود اقوام مختلف با گویش‌های متفاوت به این شهر و از طرفی غلبه فارسی معیار اصلاً تفاوت این دو برایشان قابل درک نیست و معمولاً همه را در قالب زمان گذشته نقلی نزدیک به کار می‌برند و گاه بر حسب اتفاق از گذشته نقلی دور به صورت ناآگاهانه استفاده می‌کنند و این یعنی خیر از آغاز انقراض گویش سلامی.
- داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زبان فارسی بسیار غنی‌تر از آن چیزی است که تحت عنوان فارسی معیار آموزش داده می‌شود و باید ضمن توجه به گویش‌ها زبان فارسی را از زاویه‌های بیشتری مورد بررسی قرار داد. زبان فارسی امروز، روز به روز با متون فارسی کهن بیگانه‌تر می‌گردد و در عین حال از اصالت خویش دورتر. استفاده از داده‌های این پژوهش می‌تواند کمک کند تا زبان فارسی شکل دقیق‌تری به خود بگیرد و پیوند آن با زبان فارسی کهن عمیق‌تر گردد.

7. سپاسگزاری

از سرکار خانم اعظم استاجی، دانشیار محترم گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، بسیار سپاس‌گزاری می‌شود که با همکاری در زمینه آوانگاری، بخشی از سختی‌های راه را مرتفع نمودند.

مراجع

1. ابن حوقل، *صورة الارض*، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، 1345
2. ارناسکی، یوسف م، *زبانهای ایرانی*، ترجمه دکتر علی اشرف صادقی، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول، 1387
3. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، *مسالك الممالک*، به تصحیح دگواجه، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، 1927

4. انوری حسن و احمدی گیوی حسن، *دستور زبان فارسی 2*، تهران، انتشارات فاطمی، چاپ ششم، 1395
5. پاپلی یزدی، محمد حسین، *فرهنگ آبادی ها و مکان های مذهبی کشور*، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1367
6. *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران، انتشارات کتاب خانه طهوری، 1362
7. خیامپور، عبدالرسول، *دستور زبان فارسی*، تهران، انتشارات شفق، 1344
8. سامارین، ویلیام، *زبان شناسی عملی*، ترجمه لطیف عطاری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1967
9. فرشیدورد، خسرو، *دستور مفصل امروز*، تهران، انتشارات سخن، چاپ سوم، 1388
10. قریب، بهار، فروزانفر، همایی، یاسمی، عبدالعظیم، ملک الشعراء، بدیع الزمان، جلال، رشید، *دستور پنج استاد*، جلد دوم، تهران، انتشارات مرکزی، 1363
11. لسترینج، گی، *سرزمینهای خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، 1377
12. مستوفی، حمدالله، *نزه القلوب*، به تصحیح دکتر سید محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات طه، چاپ اول، 1378
13. مشکوه الدینی، مهدی، *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ دوم، 1370
14. وحیدیان کامیار، عمرانی، تقی، غلامرضا، *دستور زبان فارسی 1*، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم، 1385
15. ناتل خانلری، پرویز، *دستور زبان فارسی*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، 1351